



نوروز در تالش جمهوری ایرانی آذربایجان

منطقه قومی تالش در جنوب باختری دریای مازندران واقع است، از سفید رود تا رودخانه کورا (کوروش) شمار تالشی زبان هایی که اکنون در آن منطقه پراکنده اند به استناد منابع موجود یک میلیون تا یک میلیون و دویست هزار نفر می باشد.

تالشی زبانان ایران بیش از چهار صد هزار نفرند و در شهرستان های آستارا، تالش،

رضوانشهر، ماسال، فومن و و شفت سکونت دارند. حدود دو برابر این شمار در شهرستانهای آستارا، لریک، لنکران، ماساللی و جلیل آباد جمهوری آذربایجان ساکنند.

زبان و هاموید (فرهنگ عامه) مشترک دو شناسه برجسته فرهنگی است که دو بخش قوم تالش در دو سوی رودخانه مرزی آستارا را به هم پیوند می دهد. همان طور که زبان این قوم در هر ناحیه به گویش ویژه ای رواج دارد، آیین ها، آداب، باورها، چامه ها و افسانه هایشان نیز جابه جا ویژگی های متفاوت از همی پیدا می کند. از جمله آیین های کهن ایرانی که هنوز با رنگ و بویی ویژه در بین تالشان رایج می باشد، مربوط به نوروز و نوروز ماه است.

تالشان نیز همچون همه اقوام و تیره های ایرانی جشن بزرگ نوروز را که همچون آینه ای خجسته هر سال با آغاز بیداری، تجدید خرمی طبیعت سیمای مهرانگیز و نجیب نیاکان ما را باز می نمایند و نموده های شکوهمندی از فرهنگ و معنویت ایرانی را به تماشا می گذارد، مانند دری گرانمایه در درازای سال ها و سده های بسیار پاس داشته و زیستگاه خود را به رنگ و بوی آن آذین بسته اند.

آیین ها و آداب نوروزی در بین تالشان ایران تا اندازه ای بررسی شده و مطالبی نیز در آن زمینه چاپ و منتشر شده است ولی به علت وجود دیوار بلند جدایی در طول دهها سال گذشته بین دو نیمه تالش، آنچه که از آداب و آیین نوروز در میان تالشان جمهوری آذربایجان هنوز باقی مانده است، تا چند سال پیش به طور کلی بر ما پوشیده بود. اما کنون با مطالعات میدانی محدودی که نگارنده در فرهنگ عامه ی تالشان آستارا و لنکران انجام داده مشخص شده است که دست کم بنمایه های اصلی آیین های و آداب نوروزی در بین تالشان این سو و آن سوی رود آستارا همسان و

مشترك است و در عين حال برخي از ويژگي خاص، آنها را از هم متمايز مي نمايد و همچنين گاه برخي از بنمايه هاي اصلي و موضوعات جزيي تر در بين بخشي از آن تيره حفظ شده و در بين بخشي ديگر از ميان رفته است.

به طور مثال برکامه (علي رغم) اينکه تالشان جمهوري آذربايجان با وجودي که ده ها سال در محاصره فرهنگي بيگانه به سر برده و تحت شديدترين ستم فرهنگي و سياست امحاء قومي بوده اند ولي با نشان دادن ايستادگي شگفت انگيزي، در بسياري موارد نسبت به تالشان ايران در حفظ زبان و هامويد (فولکلور) خود موفق تر بوده اند، ولي شوربختانه نواي ويژه خود و از آن جمله ترانه، سرودهاي موسوم به نوروزنامه و آيين نوروزنامه خواني را از دست داده اند و تنها يادبودي از نوروز نامه و نوروزنامه خواني در ذهن سالمندان لنکراني باقي مانده است.

تالشان جمهوري آذربايجان نيز استقبال از نوروز را از يك ماه زودتر آغاز مي کنند و آن را (نوروز ما = نوروز ماه) مي نامند.

همه تکاپوهاي ويژه اي که همراه با شور و شادي و اميد در اين ماه انجام مي گيرد چنان است که انگار نوروز يك مقصد و يك هدف آرمانی است و همه اين کوشش ها و پيمودن مراحل به منظور و به شوق رسيدن به آن هدف انجام مي گيرد و با فرا رسيدن نخستين روز (اوسور = سال نو) و نوروز خرسندي و شادابي و آرامشي پيروزمندان بر دل ها حاکم مي شود گويي انگار مقصود و مراد حاصل شده، تب و تاب و بي قراري هاي يك ماهه پايان يافته و ديگر کاري نيست که در اين باره کسي انجام دهد، جز پرداختن به ديد و بازديد و شادباش گويي به همدیگر. در نوروز ما، سرگرمي روزانه نوجوانان (موغن جنگ = جنگ با تخم مرغ و يا همان تخم مرغ

بازي ست) نو كردن لباس ها، خانه تكانې، سفید كردن ديوار خانه با آهك، فراهم آوردن خوراكي هاي ویژه از جمله مشغله هاي اصلي هر خانواده است.

يك هفته مانده به نوروز خانه و محوطه را تمیز مي کنند. اشیاء زايد و مندرس را دور مي ریزند، ديوارها را با آهك و يا با رنگ سفید مي کنند. زن ها نان هاي گوناگون مانند : زرن، كيلچ، بيشي و شسور شوربي مي پزند. با آرد گندم و برنج و عسل و شکر و ادويه و کره حلوهاي گوناگون درست مي کنند. بنشن هايي مانند نخود و عدس و گندم بو مي دهند، با رنگ سرخ تعدادي تخم نقش و نگار مي اندازند و همه اينها را روز عيد به ميهانان و کودکاني که به در خانه مي روند، مي دهند اندي از اين مواد خوراكي به اضافه مقداري ميوه و خشکبار، مانند گردو، فندق، شاه بلوط و سنجد را در آوندهايي جداگانه ريخته و در خوانچه عيد مي چينند. اين تا روز سيزده نوروز به صورت نمادين در خانه باقي مي ماند و از آن پس به گسارش اهل خانواده و يا مهمانان مي رسد.

در کنار خوانچه ي عيد، سفره سين هم مي گسترند و سمنو رکن اصلي آن سفره به شمار مي آيد. چنانچه اگر هر يك از ترکيبات هفت سين را بتوان با سين ديگري عوض کرد، سمنو را نمي توان ، اين ماده خوراكي در سفره عيد جايگاه ویژه اي دارد. به طور کلي نام سمنو در هر زمان يادآور بهار و نوروز و سفره سين است. در ادبيات عاميانه تالشيان، ترانه هايي در وصف سمنو وجود دارد که زنان هنگام پختن سمنو آن را زمزمه مي کنند :

متن ترجمه

سمني ها سمني / سمنو آي سمنو

بوي شو بيگم ني / بياييد شادمان كنيد

ويل خونچون اب كان / به هنگام شكفتن خوانچه هاي گل

چم ديلى شو بتكان / دل ما را شاد كنيد

سمني بوي- بوي هني / سمنو بيايد و باز بيايد

روس بيگ تى ام ني / قامتمان را راست كند

سمني ها سمني / سمنو آي سمنو

تي نيبوش عيد بديني / تو اگر نباشي انگار عيد نيست

در تالش جمهوري آذربايجان همانند تالش ما، چهارشنبه سوري اوج آيين نوروز ماه است. در آنجا واپسين چهارشنبه سال را (عزيز روژ – عزيز روز) مي نامند و آيينهاي ويژه آن رفتن به گورستان ، روشن كردن شمع و خواندن قرآن – سوره ياسين بر گور درگذشتگان مي باشد.

اين مراسم تا فروشدن آفتاب ادامه مي يابد و آن گاه همه به خانه ها بر مي گردند و هر خانواده در حياط خانه ي خود هفت كوهه آتش مي افروزد و هر كس سه بار از روي آن كوهه هاي آتش مي پرد و هنگام پريدن با صداي بلند مي گويد:

تالشي فارسي

ها، كول شوه چوشنبه / اي آتش شب چهارشنبه

عزيز شوه چوشنبه / شب عزيز چهارشنبه

چم داردي و بلون / درد و بلاهاي ما

چم جوني دوژون / دردهاي جان ما

امو بيستون / همه را بستان

كول، كول چوشنبه / آتش، آتش چهارشنبه

چم دارد و بن بلون بيه / درد و بلاهاي ما را بير

به هاف دريو به طرف / به آن طرف هفت دريا

كول كول چوشنبه / آتش، آتش چهارشنبه

ها عزيز شوه چوشنبه / اي شب عزيز چهارشنبه

در حين اينكه ديگران سرگرم پريدن از روي آتش هستند عده اي با تفنگ تير هوايي

شلیک می کنند.

در شب چهارشنبه سوری همه اعضای خانواده باید در خانه ی خود باشند. آنها پس از پایان کول (آتش) چهارشنبه در جای معینی از اتاق ، هر یک به نام خود شمعی را روشن می کند و آن گاه به دور سفره شام می نشینند. در سفره شام این شب باید بهترین غذای ممکن فراهم و چیده شود. یک نفر از اعضای معمولاً "مادر خانواده نیز موظف می شود تا هنگام خواب چند بار اسفند دود کند چنانکه بوی اسفند لحظه ای قطع نشود. دیگر مراسم شب چهارشنبه سوری، دستمال اندازی به خانه هاست. به این ترتیب که شماری از جوانان چه دختر چه پسر جدا از هم با تاریک شدن هوا در کوچه های روستا به حرکت در می آیند و به در خانه یکایک بستگان و آشناها می روند و دستمالی به درون خانه می اندازند و صاحبخانه در آن هدیه ای نقدی یا جنسی بسته و به صاحبش پس می دهد. برزن نشینان چون می دانند این جوانان پیش از دستمال انداختن دقایقی پشت در فالگوش می مانند، در همه حال مواظبند که ضمن صحبت های خانوادگی واژه های ناپسندی بر زبان نیاورند.

روز پس از چهارشنبه سوری هنگامی که بچه ها از خواب بیدار شدند، مادر خانواده به صورت آنها قطراتی آب سرد می پاشد و بچه های شیطان و حرف نشنو را تبر و داس می ترسانند. از این زمان همه می کوشند که با احساس آغاز یک زندگی تازه تا جایکه میشود غبار هر ملال و کدورت را از چهره خود بزدایند. به این ترتیب واپسین گام از گامهای استقبال از نوروز طی می شود.

آیینهای نوروز در تالش جمهوری آذربایجان با شور و شادابی بیشتری برگزار می شود افزون بر دید و یازدید و گشت و گذار در طبیعت بزم های خصوصی و گاه

همگانی همراه با ساز و آواز و پایکوبی در گوشه و کنار، درون خانه ها، آغوش طبیعت و میدان آبادی برپا می شود. به فراخور این روزها ترانه ها و سرودهای بسیاری خوانده می شود که با پیشکش نمونه ای از آن این مطلب را به پایان می رسانم .

تالشی / فارسی

او-سور اومی / سال نو آمده

او-سور خشن اومی / سال نو خوش آمده

ویلون به او-سوری خشن اومی / گلها در سال نو خوش آمده اند

ویلو ببین، ویلو ببین / گل باشید و گل باشید

گیرو ببین، دو بیکن / گرد هم آید و پایکوبی بکنید

شوی شوی بیکن / شادمانی بکنید

او-سور اوم تی بوی بوی / سال نو آمد تو بیا بیا

بوخون کو ویلونیم اوبن / در باغها گلها شکفته اند

اوونن بين سي، تي بوي بوي / براي ديدن آنها تو بيا بيا

بن مايه :

www.azargoshnasp.net

علي عبدلي

به امید باز پس گرفتن شهر ایرانی جمهوری آذربایجان
پاینده ایران

www.ariarman.com